

دینارا کالی‌یوا^۱

ایجاد و برقراری سیستم مؤثر امنیتی در منطقه خزر قابل اجرا برای کلیه کشورهای حاشیه‌ای است و پتانسیلی برای همکاری در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، همکاری‌های نظامی - فنی و غیره در سطح بالا خواهد شد. علیرغم تمایلات برای نظامی کردن و وجود اختلاف نظرهای زیاد در خصوص رژیم حقوقی دریا، کلیه کشورهای ساحلی به همکاری تمایل بیشتری نشان می‌دهند تا به رقابت، زیرا بدیهی است که هزینه و آسیب رقابت و اختلاف بسیار بالاتر از همکاری می‌باشد. به عنوان نمونه: برای روسیه اگر روابط با کشورهای ساحلی وخیم شود ممکن است به معنای تضعیف موضع سیاسی اش در منطقه باشد. برای قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان می‌تواند ایجاد مشکل در انتقال انرژی به بازارهای جهانی باشد و برای ایران نیز که رابطه استراتژی با روسیه برای او لازم می‌باشد و همچنین در حال اجرای آهسته پروژه‌ها در خصوص توسعه پتانسیل ترانزیت کشورش است، این کار به معنای تضعیف می‌باشد. در شرایطی که کشورهای منطقه دارای وابستگی‌های دوجانبه هستند، ایجاد مقدمات تشکیل سیستم امنیتی منطقه لازم الاجرا می‌باشد.

بیش از ده سال از آغاز دوره جدید در تاریخ منطقه خزر می‌گذرد، ولیکن اوضاع سیاسی در کل منطقه هنوز نسبتاً دشوار و گاهی اوقات در زمینه روابط دوجانبه و همچنین مبارزه ژئوپلیتیک اطراف منطقه که موجب جذب نیروهای خارجی می‌گردد، وخیم‌تر می‌شود.

در شرایط مبارزات ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه و بازیگران خارجی و اختلاف میان کشورهای ساحلی، موضوع امنیت و ثبات منطقه اهمیت خود را آشکار و ایجاد سیستمی را می‌طلبد که عملاً تأمین‌کننده امنیت منطقه برای کلیه کشورهای ساحلی باشد.

۱. دینارا کالی‌یوا کارشناس ارشد مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان است. این مقاله توسط خانم پروین معظمی گودرزی از روسی به فارسی ترجمه شده است.

تهدیدات و خطرات در منطقه خزر

ضرورت ایجاد سیستم امنیتی در منطقه خزر معلول وجود تهدیدات مهم و بالقوه‌ای همچون:

- تهدید بی‌ثباتی سیاسی منطقه و خطر درگیری‌های نظامی میان کشورهای حوزه خزر؛
- تهدید فاجعه زیست محیطی.

تهدید بی‌ثباتی سیاسی منطقه و خطر درگیری‌های نظامی میان کشورهای حوزه خزر

تهدید بی‌ثباتی سیاسی که می‌تواند موجب مناقشه نظامی میان کشورهای منطقه باشد وابسته به عواملی است که اختلافات بالقوه زیر را ایجاد می‌نماید:

اول: موضوع حل نشده رژیم حقوقی دریای خزر می‌باشد که با وجود تمایل همه کشورهای ساحلی مبنی بر تسریع در حل این معضل، هنوز لاینحل باقی مانده است. این عامل در مقیاس بالا روابط میان کشورهای حوزه خزر را دشوار می‌کند.

همه این کشورها در مورد موضوع مذکور به دلیل وجود معادن مورد ادعای بعضی از آنها همچون (آذربایجان و ترکمنستان، ایران و آذربایجان) نمی‌توانند به راحتی باهم مذاکره نمایند. وجود چنین ادعاهایی موجب وخامت اوضاع در خزر، به ویژه از سه سال پیش، یعنی از زمانی که تهدید واقعی درگیری نظامی میان کشورها به وجود آمد، شده است. گرچه امضای توافقنامه دوجانبه میان روسیه و قزاقستان، روسیه و آذربایجان به معنای پیشرفت نسبی در حل مسئله رژیم حقوقی خزر می‌باشد، ولی حل کامل مشکلات نیست.

موضوع رژیم حقوقی خزر بیش از حد سیاسی شده است. به همین دلیل این موضوع اختلافات بالقوه زیادی را در منطقه ایجاد نموده است.

علاوه بر این امیدهایی نیز در حل سریع مشکل مذکور وجود دارد. همزمان با بیانیه

شخصیتهای رسمی در دومین نشست کشورهای ساحلی در سال ۲۰۰۵، توافقنامه‌ای در خصوص رژیم حقوقی خزر طرح و برنامه‌ریزی شده است.

دوم: امنیت در منطقه خزر بسیاری از مسایل ژئوپلیتیک را حل خواهد کرد. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و با اجرای عملیات ضد تروریستی در افغانستان، موضع آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و خزر تقویت شد. این واقعیت تا حدودی روابط میان کشورهای ساحلی خزر را که دارای روابط متفاوتی با آمریکا هستند، پیچیده نمود.

تقویت موضع سیاسی آمریکا در منطقه، برای روسیه عامل ناخوشایندی است. گرچه همکاری سازنده‌ای میان روسیه و آمریکا در زمینه انرژی وجود دارد ولی این به معنای تضعیف موضع ژئوپلیتیک مسکو در منطقه نیست. خزر برای روسیه منطقه منافع ملی است که در آینده مانع تحکیم موضع آمریکا خواهد شد.

ایران بیشتر از روسیه مخالف تحکیم نفوذ ژئوپلیتیک آمریکا در خزر است. پیچیدگی روابط ایران با آمریکا، علاوه بر انزوای سیاسی، موجب بی‌ثمر بودن پروژه‌های اقتصادی با کشورهای ساحلی خزر شده است. زیرا همانطور که بدیهی است ایران می‌تواند مفیدترین و مناسب‌ترین راه انتقال منابع آبی خزر به بازار جهانی باشد.

آذربایجان به طرف همسویی با غرب با تکیه بر همکاری با ترکیه و آمریکا است. ذینفع بودن آذربایجان در اجرای پروژه خط لوله باکو - جیحان که امکانات زیادی را برای انتقال نفت خزر به مرزهای روسیه فراهم می‌نماید، دلیل این همسویی است.

اختلافات مذکور در خط‌مشی‌های سیاست خارجی کشورهای حاشیه خزر عنصر مخرب در توسعه همکاری منطقه می‌باشد.

سوم: وجود موضوعات بحث‌برانگیز در قالب مسئله لاینحل رژیم حقوقی خزر و منافع متضاد کشورهای ساحلی و همچنین تمایلات کنونی غرب در منطقه خزر موجب نظامی شدن منطقه می‌گردد.

نظامی کردن منطقه مهمترین تهدید سیاسی و نظامی بر علیه کشورهای ساحلی می باشد. این گرایش به ویژه پس از مناقشه ایران و آذربایجان بر سر مالکیت معادن مورد ادعا در ژوئن سال ۲۰۰۱ تشدید شد. در حال حاضر همه کشورهای ساحلی و حتی ترکمنستان بی طرف نیروهای نظامی خود را در خزر افزایش داده اند. واکنش روسیه در این راستا فعال تر می باشد. طی چند سال اخیر، این کشور ناوگان نظامی - دریایی خود را به طور چشمگیری نسبت به رقبای غربی خود افزایش داده است. بنابه گزارشات منابع روسی، این کشور در سالهای آینده بیش از ۳۰۰ میلیون دلار هزینه ناوگان نظامی خود خواهد کرد. سران و مسئولین مملکتی روسیه، بارها اعلام کرده اند که روسیه باید حضور نظامی خود را در خزر افزایش دهد و بدون شک این عمل ضمانتی جهت تأمین منافع سیاسی و اقتصادی آن کشور در خزر خواهد بود. سایر کشورهای منطقه نیز یا در حال مدرنیزه کردن و یا ساختن ناوگان خود در خزر می باشند. بنابراین ایده نظامی کردن خزر ممکن است موجب گردد که خزر در اختیار نیرویی قرار گیرد که از همه قوی تر باشد.

تهدید فاجعه زیست محیطی

مسئله مهم دیگر که ممکن است حتی امنیت کشورهای ساحلی خزر را تهدید نماید، موقعیت زیست محیطی دریای خزر می باشد. ابتکارات بدون کنترل دولتهای ساحلی در استخراج نفت موجب ایجاد وضعیتی وخیم برای محیط دریا و سیستم زیست محیطی به طور کلی خواهد شد. بنابراین اوضاع زیست محیطی را می توان به عنوان یک پیش درآمد بحران که ممکن است به دلیل بهره داری های بی رویه از منابع دریا، در حال توسعه باشد، مورد بررسی قرار داد. توسعه موقعیت نامساعد به دلیل عوامل زیر می باشد:

- عدم هماهنگی سیاست کلی کشورهای ساحلی در زمینه حفظ محیط زیست. گرچه این کشورها ضرورت آن را درک می کنند ولی این موضوع به عنوان یک دستورالعمل و یک

اولویت در نظر گرفته نمی‌شود.

- اوضاع با فعالیتهای صنعتی در حال توسعه کشورهای ساحلی و بهره‌برداری‌های نامعقول از منابع آبی بدون توجه به محیط زیست، وخیم‌تر شده است.

- دولتهای ساحلی برای حل مشکل زیست محیطی هرکدام به‌طور جداگانه از فنون و تکنولوژی‌های خاص خود جهت رفع مشکل مذکور اقدام می‌کنند و اغلب منافع کشورهای همسایه را در نظر نمی‌گیرند. در حالی که نگرشها نسبت به تعیین و سطح استاندارد امنیت، مقررات حقوقی و اختیارات قانونی در هر کشور متفاوت است. عدم رژیم زیست‌محیطی لازم در منطقه، نه تنها موجب افزایش مشکلات زیست‌محیطی می‌شود، بلکه مشکلات حقوقی نیز برای کشورها و شرکتهای بین‌المللی استخراج نفت، ایجاد خواهد کرد.

- فقدان و ناکافی بودن اطلاعات در زمینه محیط زیست، موجب می‌شود در بهره‌برداری از نفت و گاز قاعده و قانون خاصی رعایت نشود و به همین دلیل شرکتهای استخراج نفت با توجه به محدودیت اطلاعاتی در مورد اوضاع زیست محیطی کشور طرف قرارداد خود، هیچگونه مسئولیتی را در مورد تهدید محیط زیست، قبل یا بعد از قرارداد به‌عهده نمی‌گیرند.

اوضاع دشوار کنونی ضرورت اتحاد همه کشورهای حوزه خزر را جهت حل سریع مسئله‌ای که مربوط به همه آنهاست، ایجاد می‌نماید تدوین برنامه و تصمیمی معقولانه در حل این مسئله توسط شرکتهای نفت و گاز خارجی نیز که در کاهش مسائل حقوقی مشکل‌ساز، ذینفع می‌باشند، ضروری است. به همین دلیل بدیهی است که اکو سیستم واحد برای خزر که دربرگیرنده کلیه کشورهای ساحلی باشد، نیازی آشکار است. به دیگر سخن وخیم شدن اوضاع زیست محیطی منطقه می‌تواند موجب آسیبهای جبران‌ناپذیری برای کلیه کشورهای ساحلی باشد که عواقب آن را می‌توان با حملات نظامی برابر دانست.

بدین ترتیب اگر کشورهای ساحلی خزر قدمهایی در جهت ثبات اوضاع برندارند تهدیدات و خطرات مذکور می‌توانند تشدید شوند، واضح است که همه کشورهای حوزه دارای

منافع زیادی در خزر می‌باشند، بنابراین همه آنها در برقراری امنیت و ثبات در منطقه ذینفع می‌باشند. بنابراین همین ذینفعی واحد می‌تواند پایه و اساسی در جهت ایجاد عملی سیستم امنیت در منطقه باشد.

راهها و امکانات برقراری سیستم امنیتی

در حال حاضر منطقه خزر محل مناقشه میان دولتهای ساحلی و همچنین مبارزه ژئوپلیتیکی شده است که موجب جذب نیروهای خارجی از جمله آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و چینی‌ها شده است. علاوه بر این تهدیدات بی‌ثباتی سیاسی منطقه و خطر برخورد نظامی میان کشورهای ساحلی، در منطقه خزر مشکلات مهم دیگری همچون تهدیدات زیست‌محیطی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر نیز وجود دارد. ایجاد سیستم مؤثر امنیتی به‌طور کلی حلال مسائل مختلف منطقه خواهد شد و پتانسیلی برای همکاری در زمینه‌های انرژی، ترانزیت و روابط دوجانبه نظامی - فنی میان کشورهای منطقه به‌وجود خواهد آورد.

اصول اساسی این سیستم می‌توانند به شرح زیر باشند:

- اصل حل صلح‌آمیز مسائل مشکل‌ساز و امتناع از ایجاد تهدید یا توسل به نیروی نظامی

- اصل روابط برابر بر اساس احترام دوجانبه به منافع یکدیگر

- اصل شرکت پنج‌جانبه در ساخت سیستم امنیتی در خزر.

ساخت سیستم امنیتی در خزر براساس اصول مذکور مشروط به نشان دادن اراده

سیاسی همه کشورهای ساحلی و انعطاف و گذشت در مقابل دریافت حق‌السهم بیشتر در حال حاضر یا آینده براساس همکاری سازنده می‌باشد.

رعایت این اصول پاسخگوی منافع بلندمدت همه طرف‌ها می‌باشد و حامل انبوهی ثروت

در زمینه انرژی، حمل و نقل و ارتباطات خواهد بود. برای روسیه همکاری با سایر کشورهای

ساحلی در زمینه انرژی بسیار مهم و بااهمیت است. روسیه که نسبت به قزاقستان و آذربایجان

دارای منابع نفتی کمتری در خزر است، ابراز علاقه زیادی به معادن آنها نشان می‌دهد. روسیه در بهره‌برداری مشترک از معادن نفتی قزاقستان و آذربایجان سودمند می‌باشد، زیرا هم مقرون به صرفه است و هم اینکه منافع خود را با تحکیم موقعیت خود در منطقه واکسینه می‌نماید. در زمینه ارتباطات، حمل و نقل بیشترین پتانسیل جهت توسعه همکاری در نزد ایران، قزاقستان و ترکمنستان می‌باشد.

ایران در اجرای پتانسیل ترانزیت خود بسیار ذینفع است، زیرا هم موجب تحکیم موقعیتش در منطقه می‌شود و هم اینکه باعث حصول اهداف مهم اقتصادی می‌شود. از اجرای پروژه‌های مشترک حمل و نقل با ایران کشورهای منطقه از جمله قزاقستان و آذربایجان که می‌توانند به کوتاهترین راه برای حمل منابع خود به بازارهای جهانی دست یابند، سود می‌برند. به‌عنوان نمونه تسریع در ساخت کانال کشتیرانی خزر - خلیج فارس، نه تنها برای کشورهای ساحلی خزر مفید است، بلکه برای سایر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و همچنین برای شمال و شرق اروپا نیز سودمند می‌باشد. چشم‌انداز دیگری که وجود دارد، که البته به دلیل رابطه بد ایران و آمریکا دارای احتمال کمی است احداث خطوط لوله به سمت ایران می‌باشد.

بدین ترتیب انرژی و حمل و نقل می‌توانند اساسی برای تحکیم همکاری کشورهای ساحلی گردد و رشد ارتباطات دوجانبه در زمینه اقتصادی موجب همکاری در زمینه ایجاد امنیت می‌گردد. رعایت اصول مذکور در زمینه فنی - نظامی هم لازم و ضروری است.

روسیه باید فاکتور خارجی را نیز در نظر داشته باشد. از یک طرف روسیه، بدون شک تمایل دارد برنده اصلی در خزر، در امور نظامی و هم در روابط سیاسی منطقه‌ای و هم در میان نیروهای خارجی در منطقه به‌ویژه ایالات متحده آمریکا باشد. یک واریانت احتمالی نیز در میان کشورهای حوزه خزر وجود دارد و آن، تأمین ثبات و امنیت منطقه توسط نیروهای ساحلی است، ولیکن این امر منوط به این است که نیروهای نظامی روسیه به عنوان ضامن امنیت سایر کشورهای ساحلی عمل کند و نه به عنوان وسیله‌ای برای فشار بر همسایگان.

مسکو باید بداند هرگونه تلاشی در جهت حل مسائل و مشکلات از طریق قدرت نمایی و یا استفاده از تهدید از طرف وی عملی نخواهد بود. این موضوع نه تنها موجب توسعه بی‌اعتمادی میان کشورهای ساحلی خواهد شد، بلکه دلیلی برای جلب برخی از آنها به طرف حمایت نظامی - سیاسی کشورهای غربی، می‌شود. لازم به ذکر است که تنها از طریق همکاری مطلوب و برابر با سایر کشورهای خزر، روسیه می‌تواند موضع خود را در منطقه تحکیم نماید.

حفظ روابط مساعد با سایر کشورهای ساحلی، دریافت سودهای اقتصادی از بهره‌برداری‌های مشترک با همسایگانی چون قزاقستان و آذربایجان، از معادن، تحکیم موضع خود در منطقه از طریق مکانیزم همکاری اقتصادی، همه اینها باید امتیازاتی برای مسکو در جهت برقراری همکاری برابر نظامی در منطقه باشد.

اصل شرکت پنج جانبه

حل چنین موضوع مهمی، همچون تشکیل سیستم امنیتی منطقه، بدون شرکت همه کشورهای ذینفع امکانپذیر نخواهد بود. پیدا کردن راهی جهت سازگاری و مصالحه طرفین با در نظر گرفتن منافع یکدیگر لازم و ضروری است. رعایت این اصول برای رشد اعتماد میان کشورهای ساحلی لازم الاجرا است. بدین ترتیب روند مسایل در سطح منطقه، بدون شرکت یکی از طرفین عملاً امکان پذیر نخواهد بود. سیستم امنیت خزر می‌تواند بر پایه دو اساس به شرح زیر باشد:

- امنیت نظامی - سیاسی

- امنیت زیست محیطی

امنیت نظامی - سیاسی

یکی از عناصر مهم سیستم امنیت در خزر، می‌تواند همکاری نظامی - فنی کشورهای ساحلی باشد. این همکاری موجب اتحادیه کشورهای ساحلی در تلاش برای دفع تهدیدات

عمومی و سرعت عمل در حل و فصل آنها می‌باشد.

بهترین چشم‌انداز نسبت به آینده این سیستم تقسیم‌بندی مشترک نظامی - دریایی جهت جلوگیری و سرعت عمل در حل تهدیدات ایجاد شده می‌باشد. در این تقسیم موضوعات زیر وجود دارد:

- تأمین خطوط لوله، بنادر و سایر تأسیسات استراتژیکی

- اجرای عملیات امداد رسانی در دریا

- ارائه کمک‌های دوجانبه هنگام ایجاد سوانح یا آتش‌سوزی در کشتی‌ها.

در چارچوب همکاری نظامی - فنی مرکز اطلاعاتی ایجاد می‌شود که تأمین‌کننده همه‌جانبه مبادلات اطلاعاتی میان مراکز ستادهای نظامی دریایی کشورهای ساحلی باشد.

امنیت زیست محیطی

عنصر دیگر سیستم امنیتی می‌تواند امنیت زیست محیطی باشد. بدیهی است که این موضوع نیازمند رایزنی‌های علمی، تولیدی و مالی همه کشورهای ساحلی است. مشکل محیط زیست، نه تنها مربوط به دولت است، بلکه به سایر مؤسساتی نیز که دارای منافع عمومی در استفاده از مکانیزم حمایت از محیط زیست دریایی خزر براساس همکاری و تلاشهای همه‌جانبه همه طرفهای ذینفع، هستند، می‌باشد. در این رابطه سیاست زیست محیطی معقولانه‌ای باید اتخاذ گردد. اهداف اساسی این سیاست باید حفظ و حمایت از اکولوژی، استفاده معقولانه از منابع بیولوژی، تدوین مقررات عمومی و استانداردهای حل مشکلات زیست محیطی، باشد. در چارچوب این سیاست می‌توان نکات زیر را مدنظر قرار داد:

- هماهنگ کردن و تطبیق دادن تقاضا، مقررات و استانداردها در خصوص تأمین امنیت زیست محیطی در همه کشورها.

- ایجاد اصولی واحد در روابط دوجانبه کشورها و شرکتهای نفتی براساس یکسان نمودن

شرایط صدور پروانه و مجوز.

- توسعه فضای اطلاعاتی واحد در زمینه حفظ محیط زیست که موجب تبادل اطلاعات و ایجاد پایگاهی برای رفع مشکلات زیست محیطی باشد.

- تشکیل خدمات زیست محیطی در بندر باکو یا بندر آکتاو. این موقعیت می تواند منابع کشورهای غربی را که دارای روابط دوستانه با آذربایجان و قزاقستان هستند، برای اجرای برنامه های مختلف زیست محیطی در کل منطقه، جذب نماید. در این رابطه ممکن است شورای اروپا که به طور سنتی توجه زیادی به مسایل زیست محیطی، از جمله در مناطق مجاور دارد، علاقه ویژه ای از خود نشان دهد. وظایف خدمات زیست محیطی می تواند به شرح زیر باشد:

- اجرای سیستم مانیتوری کردن موقعیت زیست محیطی دریای خزر.

- ابتکار و اجرای پروژه ها در بهتر نمودن موقعیت محیط زیست.

- ایجاد سیستم فعال و ادغام وسایل جهت از بین بردن آلودگی های زیست محیطی.

اجرای منظم دیدارهای کمپانی های نفتی منطقه خزر و ارگانهای علمی و زیست محیطی با هدف بحث در مورد امنیت زیست محیطی در روند استخراج و بهره برداری ذخایر زیرزمینی، اجرای تکنولوژی های جدید و سایر مسایل در این زمینه.

بدین ترتیب، سیستم امنیتی، ساخته شده براساس روابط برابر، اعتماد و حسن همجواری موجب می شود که هزینه های حل مشکلات توسط کشورها به صورت مستقل و جداگانه کاهش یافته، در عوض با اتحاد و تلاشهای همه جانبه تهدیدات مهم را از بین برده و از بروز خطرات جلوگیری به عمل آید. چنین سیستمی نه تنها امکان تأمین مؤثر امنیت منطقه ای را شامل می شود، بلکه موجب افزایش حق السهم های اقتصادی نیز در شرایط تحکیم ثبات و توسعه اعتماد میان کشورهای ساحلی، خواهد شد.